

سرماج «دکان»: محل گردهمایی پادشاهان جهان

یوسف مرادی

استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی
moradiyousef548@yahoo.com

شناسه‌ی دیجیتال (DOI): 10.22084/nbsh.2018.16160.1734
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲
(از ص ۱۶۱ تا ۱۸۰)

چکیده

در زیربافت کهنه‌ی روستای سرماج حسین‌خانی، بقایایی از مجموعه بناهای سنگی قرار دارد که متأسفانه به علت ساخت‌وسازهای بی‌رویه دهه‌های اخیر، کاملاً مدفون شده و تنها در بعضی جاها بخش‌هایی از دیوارهای آن قابل مشاهده است. بررسی عکس‌های هوایی، مطالعات زمین‌ریختی محیط و بررسی بخش‌های باقی‌مانده بنا نشان می‌دهد بنای تاریخی سرماج دارای پلان تقریباً مربعی به درازی ۲۹۵/۵۰ متر و پهنای ۲۸۸ متر است که بر فراز یک تپه‌ی طبیعی برپا شده که پیرامون آن را خندقی احاطه کرده است. بلندی این تپه نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ۲۲ متر است. نوشته‌ی حاضر، در پی پاسخ به این پرسش‌ها است: مجموعه‌ی سرماج توسط چه حاکمانی ساخته شده و روند شکل‌گیری بناهای آن چگونه بوده است؟ علل و انگیزه ساخت مجموعه و کاربری احتمالی آن چه بوده است؟ مجموعه‌ی سرماج در بافت سیاسی دوره‌ی ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی دارای چه جایگاهی بوده است؟ در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش‌های تحقیق تاریخی و توصیفی-تحلیلی ابتدا به توصیف فنی ساختار معماری مجموعه بناهای سرماج پرداخته شود؛ سپس بر پایه‌ی متون تاریخی معتبر، سنجش‌های معماری و مدارک کتبی‌ای علل و انگیزه‌ی برپایی بناها، زمان ساخت و کاربری احتمالی آن‌ها مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد بنای سرماج در اواخر دوره‌ی ساسانی و در زمان حکومت خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ م.) ساخته شده و احتمالاً بقایای همان صفه‌ای است که جغرافی‌نویسان عرب از آن به عنوان «دکان» یاد کرده‌اند. در «دکان پادشاهان جهان» از جمله «غفور» پادشاه چین، «خاقان» پادشاه تُرک، «داهر» پادشاه هند و «قیصر» پادشاه روم در پیشگاه خسرو پرویز گرد هم می‌آمدند. هم‌چنین شواهد تاریخی و سنگ‌نوشته‌های کوفی مشجر به دست آمده از این محوطه نشان می‌دهد که حسنویه‌ها در روستای کنونی سرماج، دژ مستحکم و استواری ساخته که برای حدود یک سده مرکز حکومت خاندان حسنویه از گردهای برزیکانی بوده است. این خاندان نقش مهمی در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در اواخر سده‌ی چهارم و اوایل سده‌ی پنجم هجری قمری ایفا کرده‌اند.

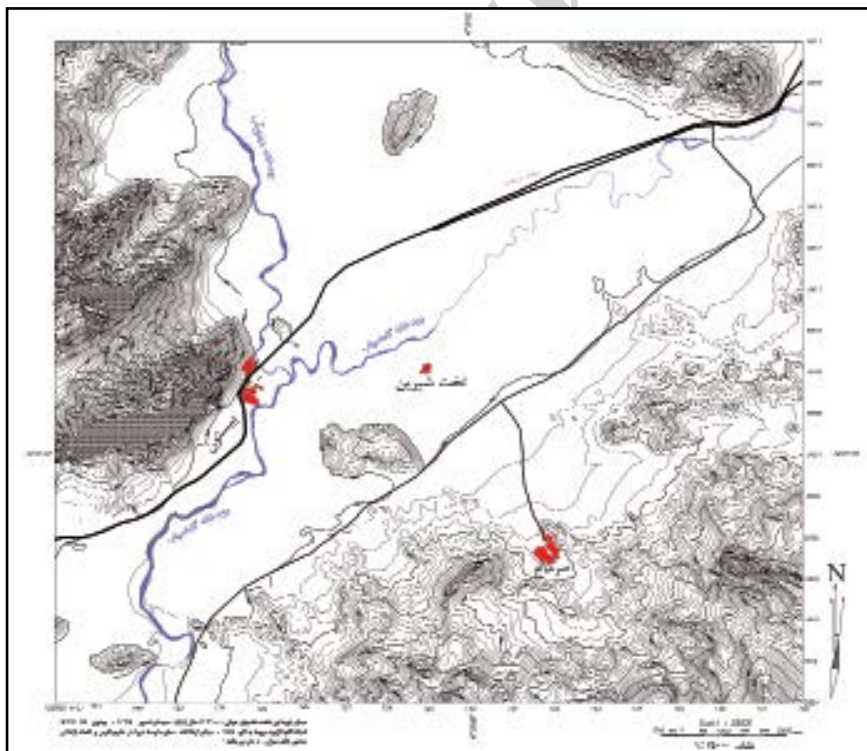
کلیدواژگان: سرماج، دکان، ابی‌ایوب، ساسانیان، حسنویه‌ها.

مقدمه

در زیر بافت کهنه‌ی روستای سرماج حسین‌خانی^۱، بقایایی از مجموعه بناهای سنگی قرار دارد که متأسفانه به علت ساخت‌وسازهای بی‌رویه دهه‌های اخیر، کاملاً مدفون شده و تنها در بعضی جاها بخش‌هایی از دیوارهای آن قابل مشاهده است.^۲ روستای مذکور در داخل دره‌ای سرسبز واقع شده که کوه‌های نسبتاً مرتفع «دیانگه»، «هچه» و «ارچن‌جغا» آن را محصور کرده است. تنها راه نفوذ به داخل این دره از طریق جاده‌ی آسفالت‌های به طول ۴ کیلومتر از جبهه‌ی شمالی روستا است (نقشه ۱). این کوه‌ها و عبور رودخانه‌ی چناران از داخل روستای سرماج شرایط طبیعی و زیست‌محیطی را برای این روستا به وجود آورده‌اند که با سایر روستاهای هم‌ارتفاع خود متفاوت شده است.

تمرکز بیشتر پژوهشگرانی که در مورد مجموعه‌ی سرماج مطالبی نوشته‌اند بر توصیف بخش باقی‌مانده‌ی دیوار جنوبی مجموعه بوده که سالم‌تر از بخش‌های دیگر است. به جز کلایس هیچ‌کدام از آن‌ها نقشه‌ای از معماری این مجموعه‌ی سترگ تهیه نکرده‌اند. تاریخ‌گذاری بنا توسط این دسته از پژوهشگران بر پایه‌ی متون تاریخی بوده تا شواهد و مدارک باستان‌شناختی و کتیبه‌ای؛ لذا در این نوشتار ضمن توصیف دقیق بقایای معماری مجموعه به همراه ارائه‌ی نقشه‌های دقیق آن، سعی بر این است بر مبنای شواهد و مدارک باستان‌شناختی و کتیبه‌ای زمان دقیق ساخت مجموعه سرماج را مشخص کنیم.

پرسش‌های پژوهش: این مقاله بر آن است تا به پرسش‌های پیش‌رو پاسخ دهد. مجموعه بناهای سرماج در چه زمانی ساخته شده و روند شکل‌گیری این بناها چگونه بوده است؟ علل و انگیزهای ساخت مجموعه بناهای سرماج چه بوده است؟



نقشه ۱. موقعیت مکانی روستای سرماج حسین‌خانی (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۲). ◀

مدارک کتیبه‌ایی تا چه حد ما را در تعیین زمان ساخت و کاربری احتمالی این بناها رهنمون می‌کند؟ کدام مدارک باستان‌شناختی و تاریخی تأیید می‌کند که ویرانه‌های داخل روستای سرماج بقایای صفه‌ی معروف به «دکان» است که جغرافی‌نویسان اسلامی از آن یاد می‌کنند؟ جایگاه و اهمیت مجموعه‌ی سرماج در بافت سیاسی دوره‌ی ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی چه بوده است؟

فرضیه‌ها: بنای سرماج در زمان حکومت خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۱ م.) پادشاه ساسانی ساخته شده و سپس امیر حسنویه در ابتدای حکومتش (سال ۳۴۸/۳۴۹ ه.ق.) بر فراز بنای ساسانی دژ مستحکمی ساخته که تا یک سده مقرر گردان حسنویه بوده است. بنای معروف به «ساختمان با سنگ‌های تراش خورده» بقایای صفه‌ی معروف به دکان است که پادشاهان جهان از جمله فغفور پادشاه چین، خاقان پادشاه ترک، داهر پادشاه هند و قیصر پادشاه روم در پیشگاه خسرو پرویز گرد هم می‌آمدند. محل دفن امیر حسنویه (وفات ۳۶۹ ه.ق.) بنیانگذار سلسله‌ی حسنویه در سرماج بوده و آرامگاه آن یک سال پس از فوت ایشان توسط پسرش بدربن حسنویه ساخته و یا تکمیل شده است.

روش پژوهش: پژوهش پیش‌رو از نوع پژوهش‌های بنیادی است و گردآوری اطلاعات و مدارک به دو روش میدانی و کتابخانه‌ایی صورت گرفته است. در این پژوهش کوشش شده است با استفاده از روش‌های تحقیق تاریخی و توصیفی-تحلیلی ابتدا به توصیف فنی ساختار معماری مجموعه بناهای سرماج پرداخته شود؛ سپس بر پایه‌ی متون تاریخی معتبر، سنجش‌های معماری و مدارک کتیبه‌ای علل و انگیزه برپایی بناها، زمان ساخت و کاربری احتمالی آن‌ها مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

پیشینه‌ی پژوهش

از سده‌ی نوزدهم میلادی بسیاری از سیاحان و باستان‌شناسان اروپایی از جاده‌ی خراسان بزرگ در کوه‌های زاگرس عبور کرده و مشاهدات خود را از آثار این منطقه از جمله محوطه‌ی سرماج به ثبت رسانده‌اند. شاید «سرهنری راولینسون» نخستین اروپایی است که در سال ۱۸۳۹ م. از ویرانه‌های سرماج بازدید کرده است. او اشاره می‌کند که در این مکان بنایی مشابه بنای هرسین وجود دارد که روی آن یک دژ جدید گلی ساخته شده است (Rawlinson, 1839: 11-12). پس از او در سال ۱۹۰۳ م.، «او. مان» ضمن بازدید از این محوطه به توصیف دیوارها و سنگ‌های تراش خورده‌ی آن پرداخته است. او بنای سرماج را به دوره‌ی ساسانی نسبت داده است (Mann, 1903: 327-331). در سال ۱۹۰۸ م. «هوزینگ» از محوطه‌ی سرماج دیدن کرده و آن را چنین توصیف می‌کند: «کاملاً روی ویرانه‌های یک تأسیسات ساختمانی ظاهراً ساسانی بنا شده است که در سده‌ی دهم میلادی مقرر حسنویه (Hasanouyeh) بوده و در سال ۱۰۴۹ پس از یک محاصره چهار ساله به وسیله طغرل فتح شده است». هوزینگ طی بازدیدش از محوطه، اقدام به تهیه‌ی تصویری از این بنا و یکی از سنگ‌نوشته‌های اسلامی آن می‌نماید که اکنون در موزه ایران باستان نگه‌داری

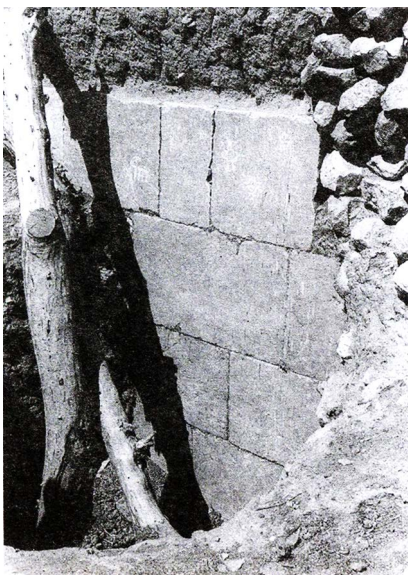
می‌شود. او بدون توجه به نوشته‌ی روی این کتیبه، آن را به دوره‌ی ساسانی نسبت داده و تصویر سروته‌ای از آن ارائه می‌کند (Hüsing, 1908: 31, Abb. 17). پس از هوزینگ در سال ۱۹۳۷ م. «اریک اشمیت» اقدام به تهیه‌ی نخستین عکس‌های هوایی از این محوطه نمود (تصویر ۱). او در حاشیه‌ی هر یک از این تصاویر، چند سطری را به توصیف معماری این محوطه اختصاص داده است. اشمیت نیز سرماج را قلعه‌ی حسنویه می‌داند که در دوره‌ی آل بویه ساخته شده و در سال ۱۰۴۹ م. (۴۴۱ ه.ق.) توسط طغرل سلجوقی تسخیر شده است (Schmidt, 1940: 82, pls. 102-103).

شاید نخستین توصیف فنی با جزئیات به نوشته‌های «هاینس لوشی» در سال ۱۹۶۲ م. برمی‌گردد. او به توصیف بخش باقی‌مانده‌ی دیوار ضلع جنوبی بنا و هم‌چنین دیواری با سنگ‌های تراش خورده می‌پردازد که در بخش مرتفع محوطه قرار داشته است (تصویر ۲). او بر این باور است که دیوارها با سنگ‌های نتراشیده



تصویر ۱. عکس هوایی از محوطه‌ی سرماج در سال ۱۹۳۷ م. (Schmidt, 1940: pl. 103).

بخشی از استحکامات حسنویه است؛ اما دیوار با سنگ‌های تراشیده متعلق به دوره‌ی ساسانی است که خندقی پیرامون، آن را محصور می‌کرده است (Luschey, 1996a: 296-298). به اعتقاد لوشی این دیوار بقایای همان صفا‌ای است که برخی از جغرافیانویسان اسلامی از آن با نام «دکان» یاد کرده‌اند؛ مکانی که خسرو پرویز شاهنشاه ساسانی پادشاهان روم، چین و هند را هم‌زمان به حضور پذیرفته است (Luschey, 1996b: 262). پس از او در سال ۱۹۶۸ م. «ترومپلمن» که با هیأت هاینس لوشی در مطالعه و کاوش‌های بیستون همکاری می‌کرده است، طی مقاله‌ی مفصلی بنای سرماج را همان «دکان» می‌داند (Trümpelmann, 1968: 11-17). در سال ۱۹۷۰ م. «گرد گروپ» با همکاری «سیف‌الدین نجم‌آبادی» تعداد سه سنگ‌نوشته با خط کوفی شجری را در این محوطه شناسایی کرده‌اند. پیش از بررسی آن‌ها، دو سنگ‌نوشته‌ی دیگر از این محل شناسایی و به موزه ایران باستان منتقل شده که به شماره‌ی ۳۲۸۰ به ثبت رسیده‌اند (Gropp & Nadjmabadi, 1970: 175-177, Abb. 2, Tafel 80.1). در سال ۱۳۵۰ ه.ش. برابر با ۱۹۷۱ م. «مسعود گلزاری» به توصیف بخش باقی‌مانده‌ی دیوار جنوبی این بنا پرداخته است. او معتقد است که دروازه‌ی قلعه در ضلع غربی قرار داشته که اینک قبرستانی در مقابل آن قرار گرفته است (گلزاری و جلیلی، بی‌تا: ۷۳-۷۲). در سال ۱۹۷۹ م. «ولفرام کلایس» طی بررسی ساخت صفا در معماری ایران، ضمن تهیه کروکی نه‌چندان دقیقی از این بنا (نقشه ۴) که بر مبنای عکس هوایی تهیه شده توسط اریک اشمیت ترسیم شده است، بنای سرماج را صفا‌ایی از دوره‌ی ساسانی می‌داند که کارکرد مذهبی و آیینی داشته است (Kleiss, 1998: 255-257, Abb. 28). در سال ۱۹۹۲ م. «شیلا بلر» اقدام به خوانش دوباره‌ی پنج قطعه سنگ‌نوشته‌ی کوفی مکشوف از این محوطه می‌نماید که پیش‌تر توسط گروپ و نجم‌آبادی شناسایی شده بودند (Blair, 1992: 67-69, 232, fig. 36). در سال ۱۳۷۵ ه.ش. «علی سجادی» طی بررسی محوطه‌های شهرستان هرسین از بنای سرماج بازدید کرده و در گزارش خود از این بنا بانام زندان «افراسیاب» یاد کرده است (سجادی، ۱۳۷۵: ردیف ۴۲). سجادی سنگ‌نوشته‌ی نویافته‌ایی با خط کوفی شجری در گزارش خود معرفی کرده که در مورد آن بحث خواهیم کرد^۲. پس از او در سال ۱۳۸۱ ه.ش. «عباس مترجم» و «یعقوب محمدی‌فر» طی بررسی و شناسایی محوطه‌های شهرستان هرسین از محوطه سرماج نیز بازدید کرده و مطالبی در مورد آن نگاشته‌اند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که معماری بنای سرماج قابل‌مقایسه با بقایای کاخ ناتمام ساسانی بیستون و هم‌چنین تراس اول بنای تاریخی کنگاور است (مترجم و محمدی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۱۹۲-۱۹۱). هم‌چنین در سال ۱۳۸۳ ه.ش. محمد اقبال چهری و رامین چهری به بررسی گذرای محوطه‌ی سرماج پرداخته‌اند (چهری و چهری، ۱۳۹۶: ۱۸۸-۱۷۳).



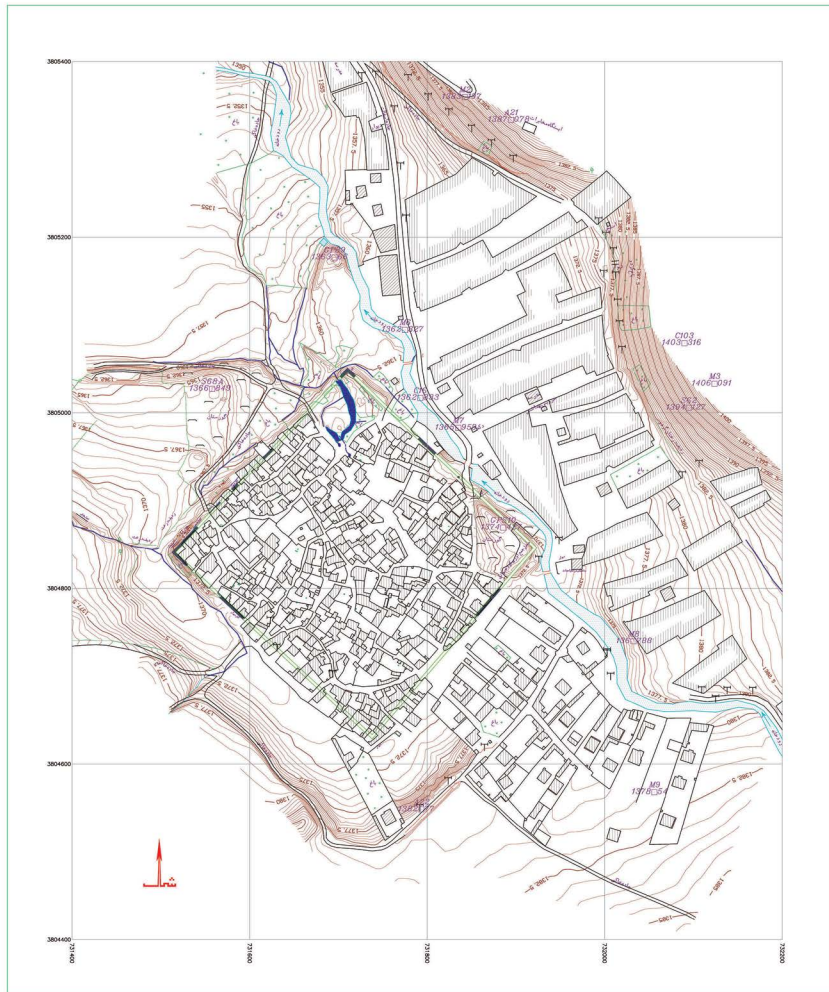
▲ تصویر ۲. نمایی از دیوار بنای معروف به «ساختمان با سنگ‌های تراش خورده» در سال ۱۹۶۸ م. (Luschey, 1996b: Taf. 61.2).

ویژگی‌های معماری بنا

بنای معروف به قلعه

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد در زیر بافت روستای سرماج کهنه، بقایایی از یک

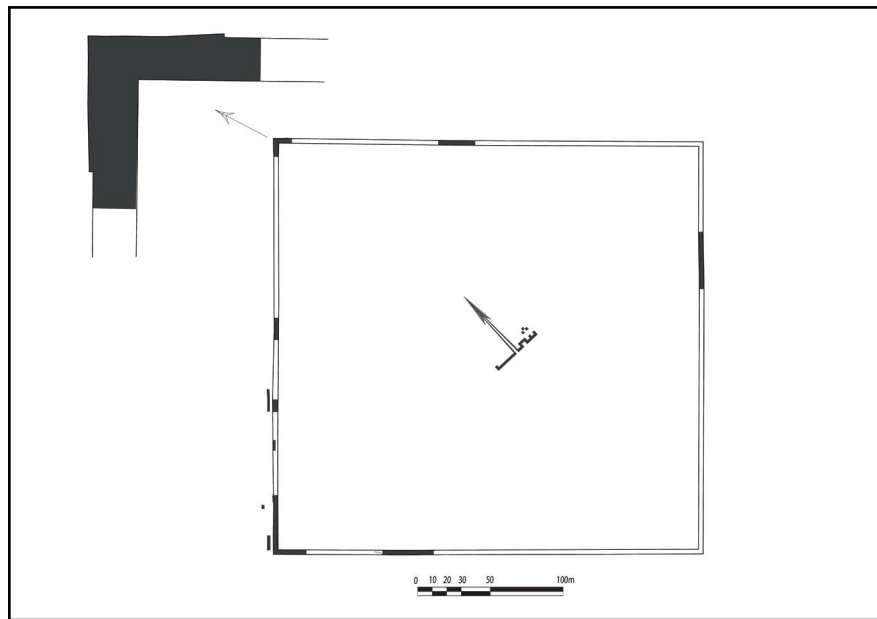
بنای سنگی مهم و ارزشمند وجود دارد که اهالی محل و پژوهشگران از آن بانام «قلعه سرماج» یاد می‌کنند. متأسفانه به علت ساخت‌وسازهای بی‌رویه دهه‌های اخیر، این بنا در زیر بافت روستای مذکور مدفون و این امر موجب شده نتوانیم درک درستی از پلان، ساختار معماری و واحدهای ساختمانی مرتبط با آن داشته باشیم (نقشه ۲).



نقشه ۲. موقعیت مکانی بنای تاریخی سرماج در زیر بافت خانه‌های مسکونی (مرکز اسناد اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کرمانشاه). ◀

بررسی عکس‌های هوایی، مطالعات زمین‌ریختی محیط و بررسی بخش‌های باقی‌مانده بنا نشان می‌دهد بنای مذکور پلان تقریباً مربعی دارد که پیرامون آن را خندقی احاطه کرده است. آب این خندق از طریق رودخانه‌ی چناران تأمین می‌شده که در ضلع شمالی بنا جاری است (تصویر ۱). براساس شواهد موجود عرض خندق در ضلع شرقی ۷۲/۶۵ متر و در ضلع جنوبی ۶۲/۳۰ متر است. از وضعیت ضلع غربی این خندق شواهد چندانی برجای نمانده است. از آنجایی‌که سیلاب‌های فصلی به‌مرور زمان خندق مورد بحث را پر کرده، لذا از ژرفای واقعی آن آگاهی کافی نداریم، اما دیواره‌ی ضلع جنوبی خندق نشان می‌دهد در زمان احداث نسبتاً ژرف بوده است.

براساس شواهد معماری موجود، بنای تاریخی سرماج به درازی ۲۹۵/۵۰ متر و پهنای ۲۸۸ متر است^۴ (نقشه ۳). وضعیت زمین ریخت محوطه نشان می‌دهد این بنا احتمالاً روی یک تپه‌ی طبیعی برپاشده که بلندی آن نسبت به زمین‌های اطراف در حدود ۲۲ متر است. سازندگان بنا از این تپه‌ی طبیعی به عنوان پایه‌ای برای دیوارهایی که پیرامون آن ساخته‌اند، استفاده کرده‌اند. تپه را دیوارهای حجیمی احاطه کرده که می‌تواند براساس چهار جهت اصلی به چهار بخش متمایز تقسیم و بحث شود. نکته‌ی مشترک این دیوارها، جنبه‌های فنی آن‌هاست که در ادامه به شرح ویژگی‌های آن‌ها خواهیم پرداخت.



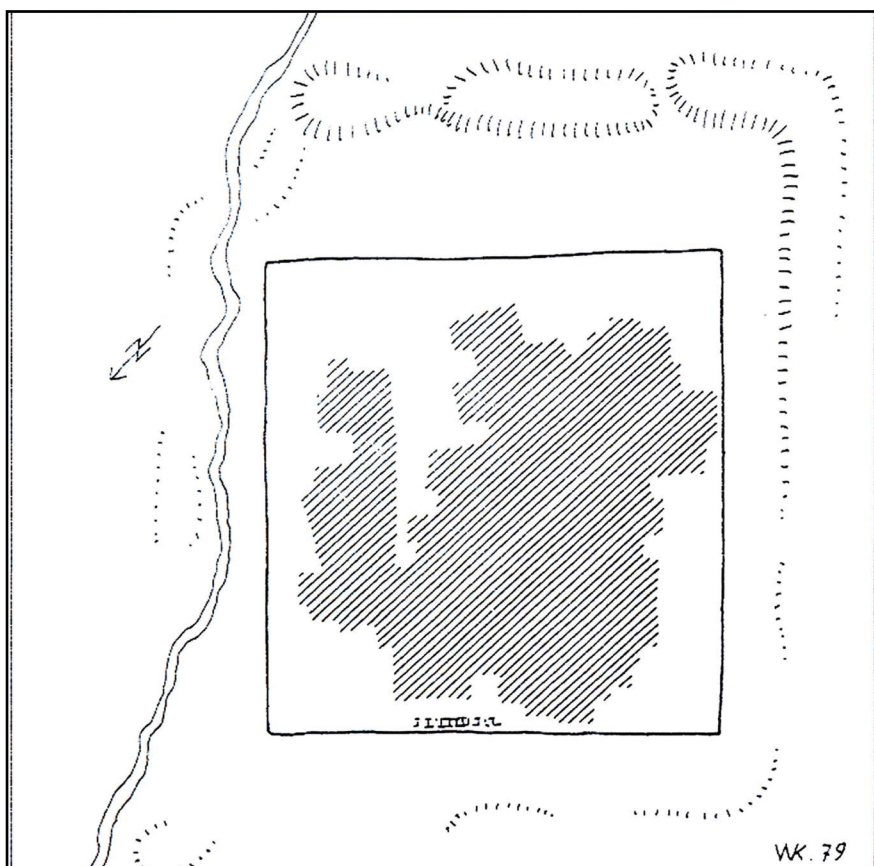
► نقشه ۳. پلان بنای تاریخی سرماج (ترسیم از م. احمدی، ۱۳۸۵).

- دیوار جنوبی: از دیوار جنوبی بنا تنها بخش‌هایی در قسمت میانی و منتهی‌الیه غربی آن باقی مانده است. قسمت میانی دیوار جنوبی سالم‌ترین بخش باقی مانده از این بنای تاریخی است (تصویر ۳). این بخش از دیوار به درازی ۴۱/۹۰ متر و پهنای ۳/۲۰ متر است. در بلندترین قسمت تنها هفت رج از بلوک‌های سنگی باقی مانده که ارتفاع آن‌ها در مجموع ۷/۱۵ متر است. هم‌چنین از ارتفاع این دیوار در کوتاه‌ترین قسمت ۱/۷۰ متر باقی مانده که شامل سه رج است. از منتهی‌الیه غربی این دیوار در داخل باغات، به طول ۲۲/۷۵ متر باقی مانده که شامل دو رج سنگ به ارتفاع ۱/۳۰ متر است (نقشه ۵).

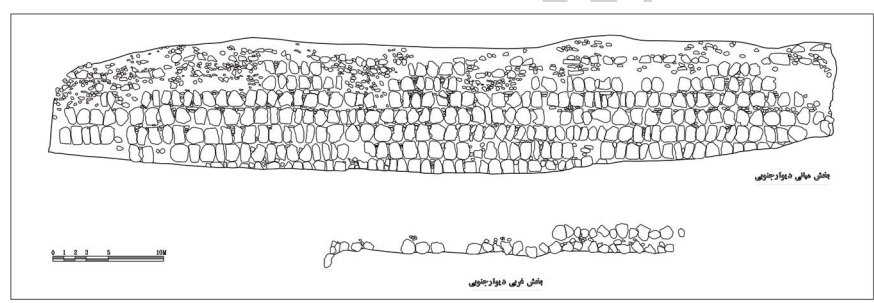


▲ تصویر ۳. نمایی از دیوار جنوبی بنای تاریخی سرماج (نگارنده، ۱۳۸۵).

روش احداث این دیوار همانند سایر دیوارهای این بنا به این صورت بوده که سنگ‌های نسبتاً بزرگ را به صورت عمودی در کنار هم و در رج‌های منظم در نمای بیرونی دیوار چیده و سپس بخش داخلی دیوار را با توده‌ای از لاشه‌سنگ‌های کوچک و ملاط گچ به مقدار زیاد پُر کرده‌اند. برخلاف برخی از بناهای سنگی، لاشه‌سنگ‌ها کار گذاشته نشده بلکه روی هم ریخته شده است، در این بنا هنگامی که نخستین رج چیده می‌شد؛ سطح فوقانی دیوار را برای ایجاد سطحی نسبتاً هموار اندود کرده



نقشه ۴. پلان بنای تاریخی سرماج (Kleiss, 1998: Abb. 28). ◀



نقشه ۵. نمایی از دیوار جنوبی بنای تاریخی سرماج (ترسیم از م. احمدی، ۱۳۸۵). ◀

و سپس دومین رج را به همان روش برروی آن می‌ساختند. این شیوه تا آخرین رج ادامه یافته است. ویژگی برجسته‌ی تمام دیوارهای این بنا این است که درانتخاب سنگ‌ها، به شکل آن‌ها توجه خاص و زیادی شده و سنگ‌ها به صورت رج‌های منظم در دیوارها به کار رفته‌اند. از آنجایی که سنگ‌ها اندازه یکسانی نداشته‌اند، نحوه‌ی اتصال آن‌ها به این صورت بوده که گاهی برخی از سنگ‌های بالایی، بخشی از سنگ‌های ردیف پایین را پوشش داده بدون این‌که با قطعه سنگ کناری پیوندی داشته باشد. حفاصل سنگ‌های بزرگ با لاشه‌سنگ‌های کوچک و ملاط گچ پُر شده است (تصویر ۴). تمام سنگ‌های نتراشیده این دیوار از نوع سنگ‌های آهکی به رنگ خاکستری است. معدن این سنگ‌ها کوه‌های پیرامون محوطه، به خصوص کوه دیانگه است.

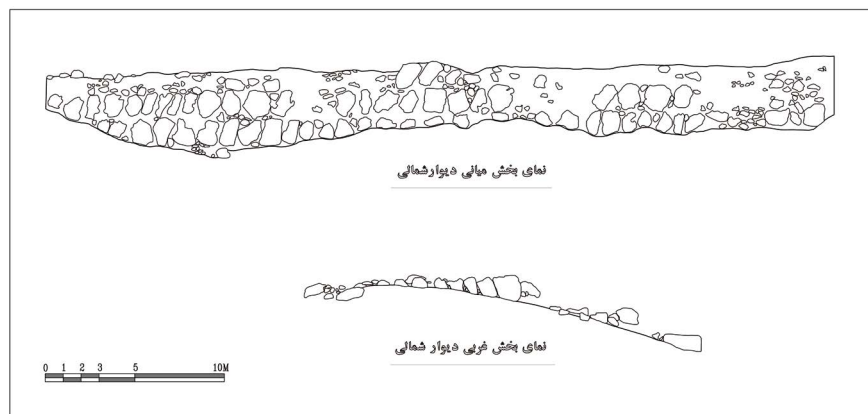


▲ تصویر ۴. نحوه سنگ‌چینی دیوار جنوبی بنای تاریخی سرماج (نگارنده، ۱۳۸۵).

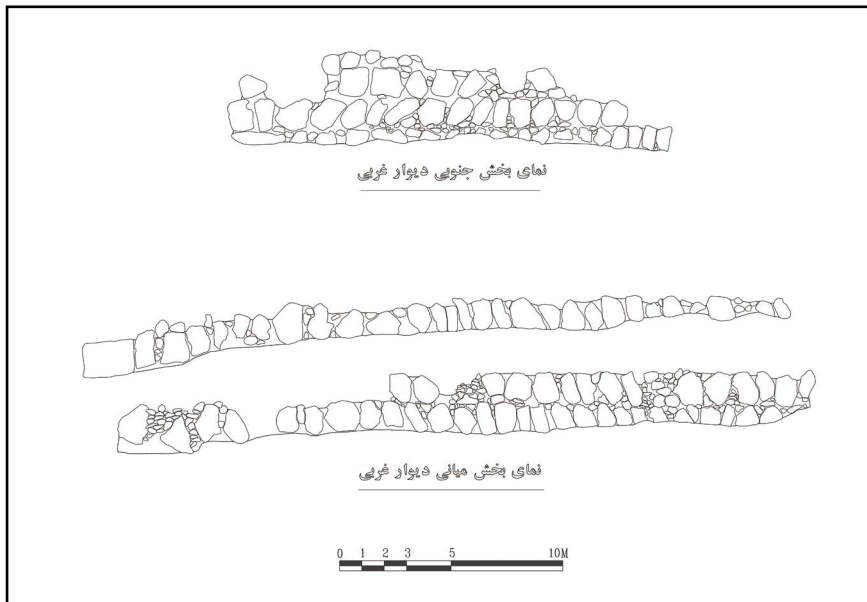
- **دیوار شمالی:** از دیوار شمالی بنا نیز بخش‌های محدودی برجای مانده است. از قسمت میانی آن به درازای ۲۵/۴۷ متر قابل روئیت است. از ارتفاع این دیوار ۲/۳ متر باقی مانده که شامل سه‌رج است (نقشه ۶). هم‌چنین بخش کمی از امتداد این دیوار را به‌طور نامحسوس در زیر قبرستان شمال شرقی روستا می‌توان مشاهده کرد. علاوه بر این؛ در منتهی‌الیه غربی دیوار مذکور، گوشه‌ی شمال غربی بنا به‌وضوح قابل روئیت است و این مدرک خوبی است تا بر مبنای آن بتوانیم بخش‌هایی از کالبد بنا را شناسایی کنیم. در این بخش از بنا پشت‌بند چهارگوشی به ابعاد ۱۰/۰۷ × ۱۰/۰۲ متر وجود دارد که از هر ضلع بنا ۲۰ سانتی‌متر جلوتر است. از این پشت‌بند تنها یک‌رج باقی مانده و بقیه‌ی آن در زیر توده‌های فروریخته کنار دیوار است. از نظر ساختار معماری دیوار مورد بحث کاملاً شبیه دیوار جنوبی است.

- **دیوار شرقی:** در واقع درباره‌ی دیوار شرقی بنای تاریخی سرماج چیزی نمی‌دانیم؛ تنها بخش کمی از نمای این دیوار در قسمت میانی و در پی منازل مسکونی برپا و مشهود است. این بخش از دیوار به درازای ۳۹/۶۷ متر است که از ارتفاع آن ۱/۳ متر قابل روئیت است. در عکس هوایی تهیه‌شده توسط اشमित بقایایی از دیوار و پشت‌بند گوشه‌ی شمال شرقی بنا به‌وضوح دیده می‌شود.

- **دیوار غربی:** دیوار جبهه‌ی غربی بنا نسبت به سایر دیوارها اندکی پیچیده‌تر به‌نظر می‌رسد. از درازای این دیوار، بخش‌های زیادی برجای مانده است. در منتهی‌الیه جنوبی دیوار مذکور همانند گوشه‌ی شمال غربی، پشت‌بند مربع‌شکلی وجود دارد که تنها دیواره‌ی غربی آن قابل روئیت است. از درازای این دیوار ۱۰/۱۷ متر و از ارتفاع آن در بلندترین قسمت سه‌رج به ارتفاع ۱/۷۰ متر باقی مانده است (نقشه ۷). برای شناسایی دیوار جنوبی این پشت‌بند نیاز به انجام کاوش‌های باستان‌شناختی است. وجود این پشت‌بندها نشان می‌دهد بنای سرماج دست‌کم در چهارگوشه دارای پشت‌بندهای با پلان مربع بوده است. از بخش میانی دیوار غربی ۴۱ متر باقی مانده است. وضعیت زمین ریخت، حجم آوار فروریخته و هم‌چنین پاره‌ی دیوارهای برجای مانده نشان می‌دهد که احتمالاً در این قسمت یکی از راه‌های دسترسی به بنا قرار داشته و شاید همانند بنای معروف به معبد آناهیتا کنگاور این ورودی به‌صورت پلکان دوطرفه‌ای بوده است. از آنجاکه هنوز فرصت



► نقشه ۶. نمایی از دیوار شمالی بنای تاریخی سرماج (ترسیم از م. احمدی، ۱۳۸۵).



نقشه ۷. نمایی از دیوار غربی بنای تاریخی
سرماج (ترسیم از م. احمدی، ۱۳۸۵).

تعیین صحت و سقم این فرضیه دست نداده و با این امید که در آینده به انجام رسد؛ بایستی با احتیاط کامل با این فرضیه روبه‌رو شد. در این بخش از بنا درست چسبیده به دیوار، کانال سرپوشیده‌ی سنگی به عرض متوسط ۴۲ سانتی‌متر و ارتفاع ۴۰ سانتی‌متر وجود دارد که از درازای آن ۳/۵ متر قابل رویت است. دیواره‌های این کانال شامل یک ردیف سنگ‌های قواره شده نسبتاً بزرگ است و سقف آن با تخته‌سنگ‌های صاف پوشیده شده است. دیگر بخش‌های باقی‌مانده دیوار غربی بنا را می‌توان در داخل منازل مسکونی^۵ و محله‌ی معروف به «دو دیواری» مشاهده کرد. شواهد و مدارک معماری به وضوح نشان می‌دهد، دست‌کم در این بخش از بنا دو سکو وجود داشته است. از درازای دیوار سکوی اول در محله‌ی «دو دیواری» ۱۵/۴۰ متر برجای مانده که عرض آن ۳/۳۵ متر است. هم‌چنین از ارتفاع آن بین یک تا دو رج باقی‌مانده که به‌طور متوسط ۶۵ سانتی‌متر تا ۱/۳۵ متر است. در بالای سکوی اول، بخش‌هایی از نمای دیوار سکوی دوم قرار دارد که درازای آن ۸/۷۰ متر و ارتفاع آن ۶۵ سانتی‌متر است. این بخش از دیوار شامل یک‌رج سنگ تراشیده است (نقشه ۷). تا انجام کاوش‌های باستان‌شناختی و یا حداقل گمانه‌زنی در این محوطه نمی‌توان چنین پنداشت که بخش‌های دیگر بنا نیز به این شیوه ساخته شده است. دست‌کم قسمت میانی جبهه‌ی جنوبی بنا این فرضیه را تأیید نمی‌کند.

بنا با سنگ‌های تراش خورده

لوشی و ترومپلمن گزارش می‌کنند که در داخل یکی از خانه‌های بخش مرتفع محوطه، بقایای دیواری از بلوک‌های تراش خورده‌ی آهکی وجود دارد که شامل چهار رج است. هر یک از این رج‌ها نزدیک ۶۰ سانتی‌متر ارتفاع دارند. در رج بالایی به‌جای استفاده از بلوک‌های ۷۰-۶۰ سانتی‌متری از بلوک‌های ۴۰-۳۵ سانتی‌متری

استفاده کرده‌اند. بند بین بلوک‌های سنگی بیش از اندازه باریک هستند و سطح آن‌ها با دقت تراش خورده‌اند. کیفیت و نوع ساختار این دیوار شبیه پل خسرو است (تصویر ۲). این پژوهشگران دیوار مذکور را بقایای همان صفا ایی می‌دانند که جغرافی‌نویسان اسلامی از آن به‌عنوان «دکان» یاد کرده‌اند (Luschey, 1996b: 11-17; Trümpelmann, 1968: 262, Taf. 61.1-2). اکنون به دلیل ساخت‌وسازهای بی‌رویه جدید، از دیوار مذکور اثری برجای نمانده است. در داخل منازل مسکونی روستا، معابر عمومی و به‌خصوص قبرستان‌های شمال شرقی و شمال غربی روستا، تعداد زیادی بلوک سنگی مکعب مستطیل در اندازه‌های مختلف وجود دارد که یک سطح آن‌ها صاف و صیقلی است. بیشتر این بلوک‌ها از جنس سنگ‌های آهکی سفید و خاکستری‌رنگ است. گوشه‌ی برخی از آن‌ها جهت چفت‌وبست به بلوک کناری به‌کاررفته در بنا بریده شده است. هم‌چنین تعداد زیادی از بلوک‌های سنگی این محوطه به همراه سنگ‌های تراش‌خورده‌ی بناهای ساسانی بیستون جهت تکمیل پل چهر که در زمان رضاشاه پهلوی بر روی رودخانه‌ی گاماسیاب احداث شده به آن مکان منتقل شده است. بر مبنای شباهت بلوک‌های پراکنده در سطح محوطه با بلوک‌های به‌کاررفته در دیوار شناسایی شده توسط لوشی و ترومپلمن، می‌توان چنین پنداشت که این بلوک‌ها مربوط به همان دیوار و یا واحدهای ساختمانی مرتبط با آن بوده است.

کوه‌های پیرامون دهکده‌ی سرماج از جنس سنگ‌های آهکی است. در آبراهه‌ی دامنه‌ی شرقی کوه دیانگه تعدادی بلوک سنگی نیمه تراش خورده وجود دارد که آن‌ها را با سطح صاف جلو و از شکل مربع مستطیل و جوانب کارشده‌شان می‌توان شناخت. اگرچه تعداد سنگ‌های شناسایی شده نسبت به معماری عظیم بنا بسیار اندک است^۷؛ اما به نظر می‌رسد مکان مذکور یکی از معادن تأمین بلوک‌های سنگی به‌کاررفته در بنای سرماج بوده است. هم‌چنین با توجه به این‌که در دامنه‌ی کوه بیستون نیز حجم زیادی سنگ‌های تراش‌خورده وجود دارد؛ لذا به دلیل فاصله‌ی کم مکانی این محوطه‌ها، این احتمال نیز وجود دارد یکی دیگر از معادن سنگ‌های تراش‌به‌کاررفته در بنای سرماج، دامنه‌ی کوه بیستون بوده که محدوده‌ای از روستای سنقرآباد تا دامنه‌ی صفا تراشیده‌ی فرهادتراش را شامل می‌شود. هنوز در این محوطه بلوک‌های سنگی کارشده را می‌توان ملاحظه کرد.

گاهنگاری بنا

اگرچه اظهارنظر درباره‌ی گاهنگاری بخش‌های مختلف این بنای سترگ قبل از انجام کاوش‌های باستان‌شناختی کاری عجولانه است، ولی به نظر می‌رسد بنای معروف به «ساختمان با سنگ‌های تراش‌خورده» (تصویر ۲) به دلیل این‌که شباهت زیادی با ساختار معماری بنای تاق‌گرا و بنای معروف به کنگاور دارد می‌توان آن را به اواخر دوره‌ی ساسانی و به بیانی صریح‌تر به زمان خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ م.) نسبت داد. تمام پژوهشگرانی که در مورد بنای سرماج مطالبی نگاشته‌اند بر این عقیده‌اند که دیوارهای ساخته شده با سنگ‌های نسبتاً بزرگ نتراشیده بخشی از استحکامات

زمان حسنویه‌ها (سده‌های ۴ و ۵ ه. ق.) است. به نظر می‌رسد که تاریخ‌گذاری آن‌ها نه برمبنای شواهد معماری و باستان‌شناختی، بلکه برپایه‌ی نوشته‌های مورخین و جغرافیانویسان ایرانی و عرب بوده است. تردیدی وجود ندارد که حسنویه‌ها در سرماج دژ باشکوه و مستحکمی ساخته‌اند؛ اما درحال حاضر هیچ‌کدام از شواهد و مدارک باستان‌شناختی تأیید نمی‌کنند که دیوارهای ساخته‌شده از سنگ‌های نتراشیده الزاماً بخشی از همان دژ ساخته‌شده در زمان حسنویه‌ها است. حتی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد احتمالاً دیوارهای مذکور نیز هم‌زمان با بنای معروف به «ساختمان با سنگ‌های تراش‌خورده» ساخته‌شده است. یکی از این دلایل شباهت بسیار زیادی است که این دیوارها از نظر ساختار معماری با صفه مرکزی بنای ساسانی معروف به معبد آناهیتا کنگاور دارند که متعلق به زمان خسرو دوم است (Azarnoush, 1981: 76-77, 88-91). دیوارهای هر دو بنا با سنگ‌های بزرگ نتراشیده که حداقل یکی از سطوح آن صاف بوده، ساخته‌شده و حداقل سنگ‌ها نیز با لاشه‌سنگ‌های ریز و ملاط گچ پُر شده است. دلیل دوم شباهت دیوارهای سرماج با دیوار سنگی در دامنه‌ی خاکریز جلو صفحه‌ی تراشیده‌ی معروف به «فرهاد تراش» بیستون از زمان خسرو دوم است (Lushey, 1996c: 117). در دامنه‌ی این خاکریز، دیوار سنگی به طول ۲۰۰ متر وجود دارد که در بلندترین قسمت شامل شش‌سج به ارتفاع ۲/۳۵ متر است. این دیوار با قطعه‌سنگ‌های بزرگ به بلندی متوسط ۵۰ تا ۸۰ سانتی‌متر چیده شده (Lushey, 1996c: 117-120) که از نظر نوع مصالح و فن ساخت کاملاً شبیه صفه‌ی کنگاور و سرماج است. شباهت بسیار زیاد دیوارهای بنای سرماج با دیوار صفه‌ی مرکزی کنگاور و هم‌چنین دیوار سنگی دامنه‌ی فرهاد تراش از جمله مدارکی است که نشان می‌دهد دیوارهای پیرامونی بنای سرماج نیز احتمالاً متعلق به اواخر دوره‌ی ساسانی و یا به عبارتی دیگر مربوط به زمان خسرو دوم است که در فاصله‌ی سال‌های ۵۹۰ تا ۶۲۸ م. حکومت می‌کرده است.

اگر تاریخ پیشنهادی فوق صحیح باشد، آنگاه این پرسش هم‌چنان باقی است؛ بنایی که مورخان و جغرافی‌نویسان ایرانی و عرب به حسنویه‌ها نسبت می‌دهند در کجای این محوطه قرار گرفته است(؟). وجود سنگ‌نوشته‌هایی به خط کوفی شجری که به صورت پراکنده در داخل منازل مسکونی قرار دارند. تردیدی باقی نمی‌گذارد که در این محوطه‌ی بنا و یا بناهایی از زمان حسنویه‌ها وجود دارد؛ اگرچه تا زمان تخلیه‌ی روستا و انجام کاوش‌های باستان‌شناختی نمی‌توان در مورد ماهیت و کارکرد این بناهای احتمالی اظهار نظر کرد، اما با توجه به آوارهای ریخته شده بر فراز محوطه، به نظر می‌رسد بناهای زمان حسنویه‌ها روی صفه‌ی ساسانی و احتمالاً در بخش مرکزی محوطه احداث شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

از آنجایی که تاکنون کاوش‌های باستان‌شناختی در این مجموعه صورت نگرفته و از سوی دیگر شناخت کافی از پلان، ساختار معماری بنا و واحدهای ساختمانی وابسته

به آن وجود ندارد؛ لذا نمی‌توان از نظر باستان‌شناختی به‌طور دقیق روی کارکرد این مجموعه بحث کنیم. اگرچه مدارک باستان‌شناختی برای تعیین کاربری آن وجود ندارد؛ اما یک مدرک مثبت وجود دارد و آن این‌که همان مورخانی که تاریخ مجموعه را به‌درستی از اواخر دوره‌ی ساسانی دانسته‌اند؛ گمان دارند در محلی به‌نام «دکان» صفه‌ی باشکوهی بر فراز یک تپه وجود داشته که در اطراف آن آب در جریان بوده است. دیوارهای این صفه با بلوک‌های سنگی، آجر و ملاط گچ ساخته شده است. در دکان پادشاهان جهان در پیشگاه خسرو پرویز گرد هم آمده‌اند.

«ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی» معروف به «ابن فقیه» در مختصر *البلدان* می‌نویسد: «و در کرمانشاهان، آن دکان است که پادشاهان جهان بر آن گردآمده‌اند: فغفور پادشاه چین و خاقان پادشاه ترک و داهر پادشاه هند و قیصر پادشاه روم و خسرو پرویز. دکان به‌شکل چهارگوشه از سنگ ساخته شده است. به‌گونه‌ای آن را ظریف و استوار ساخته‌اند و با میخ‌هایی آهنین استوار کرده‌اند که هیچ‌گونه رخنه‌ای میان دو سنگ پیدا نیست و هر بیننده گمان برد که آن یک تخته سنگ است. این اشعار، احمد بن محمد است درباره دکان: میان قناطر و دکان، ساختمان‌هایی است که بر همه ساختمان‌ها و بناها برتری دارد. دکان از سنگ است و آن را بر فراز تپه‌ای ساخته‌اند، نمی‌دانیم برای پریان ساخته‌اند یا برای انسان. چه آن، تخته سنگی است صاف و گرد شده با کیفیتی شگفت‌انگیز و دارای همه رنگ‌ها. آن را چنان به آیین اندازه کرده‌اند و روی ستون‌ها برآورده‌اند و دقیق و بی‌رنه ساخته‌اند که تنها بر پریان راز این‌گونه ساختن پوشیده نخواهد ماند. گویند پادشاهان جهان در کنار این دکان، در پیشگاه پرویز بن ساسان گردآمده‌اند» (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۳۴-۳۳).

توصیفی که ابن فقیه از دکان ارائه می‌دهد، توسط «ابن رسته» تکمیل می‌گردد. او می‌گوید: «از قمراسین تا دکان شش فرسخ است که راه آن در زمین همواری پیش می‌رود. سپس به پلی که بر روی دره‌ای بسته شده می‌رسد و از آن عبور کرده تا به «خیابین» می‌رسد. پس از آن به کوه بهستون می‌رسد. در دامنه کوه دره وسیعی است که در کنارش چشمه آبی است. آب آن قادر است پنج سنگ آسیاب را بگرداند و در مجرای جاری می‌گردد که از سنگ ساخته شده است تا به ابی ایوب منتهی می‌شود. راه در اینجا طوری است که موقع عصر سایه کوه بهستون بر آن می‌افتد و سپس ادامه می‌یابد تا به دکان می‌رسد. دکان از آثار خسروان است که از گچ و آجر ساخته شده و اما پیشخوان این بنا از سنگ است و طول و عرض آن چهارصد ذراع در چهارصد ذراع است که با مرمر فرش شده است. در اطراف آن نهری جاری است که مزارع و ساکنین آنجا را سیراب می‌کند. پس هر که بخواهد به نهاوند و اصفهان برود، از دکان به سمت راست حرکت می‌کند تا به مادران و سپس به نهاوند که یکی از خوره‌های منطقه جبال است، می‌رسد... از دکان تا قصر اللصوص هفت فرسخ است» (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۹۶-۱۹۵).

با توجه به نوشته‌های فوق، به‌راستی «دکان» که در آن پادشاهان جهان در آنجا گرد هم می‌آمدند را بایستی در کدام محل جستجو کرد؟

تطابق جاهایی که ابن‌رسته از آن نام می‌برند تا حدودی آسان است. زیرا کوه بیستون برای همه شناخته شده است. منظور او از دره‌ی وسیع دامنه‌ی کوه، همان دشت چمچمال است که از طریق پل خسرو قابل دسترسی است. موقعیت این کوه و بخشی از دشت چمچمال (تخت شیرین) به گونه‌ای است که غروب‌ها سایه‌ی کوه بیستون بر این قسمت کاملاً مشهود است. او اشاره می‌کند در این قسمت «ابی ایوب» قرار دارد. به نظر می‌رسد ابی ایوب، همان ویرانه‌های «تخت شیرین» امروزی باشد. به طوری که اصطخری نیز اشاره می‌کند مسافت بین بیستون و ابی ایوب دو فرسخ است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۳) و این فاصله کاملاً بافاصله‌ی بیستون و تخت شیرین که در حدود ۱۱ کیلومتر است، همخوانی دارد. مهم‌تر از همه «ابودلف» به وضوح موقعیت ابی ایوب را نسبت به سرماج و بنای سنگی آن شرح داده است؛ او می‌نویسد: «... سپس از این پل^۸ گذشته به قریه بزرگ و بسیار آباد و پرپرکتی می‌رسید که «ابایوب» نام دارد و به یکی از مردان قبیله «بنی جرهم» منسوب است که کنیه‌اش ابوایوب است و آن‌را بنا نموده. در آنجا یک سکوی بزرگ سنگی موجود است که قسمتی از سنگ‌های آن را یکی از گردها کنده و با آن دژ بزرگی [به] نام «سرماج» در کوهی که مشرف بر این قریه است بنا نموده» (ابودلف، ۱۳۴۲: ۶۴-۶۳) بسیار روشن است منظور ابودلف از «سرماج» همان «سرماج» کنونی است که مشرف بر ابوایوب است. تنها محلی که سرماج می‌تواند بر آن مشرف باشد، همان ویرانه‌های ابی ایوب است که امروزه آن‌را تخت شیرین می‌دانیم.^۹

«یاقوت» هم چنین اشاره می‌کند: «ابوایوب... مکان بزرگی است میان کرمانشاه و همدان، درست سمت راست کنار جاده‌ی بغداد-همدان، در آنجا ویرانه بناهایی است که به نام «تخت» شهرت دارد. در نزدیکی دریاچه‌ی کوچکی است که در آن چشمه‌ای می‌جوشد» (یاقوت حموی، ۱۹۶۸: ۴۳۶). او هم چنین اشاره می‌کند قلعه‌ی مستحکم سرماج توسط بدرین حسنویه با سنگ‌های ویرانه‌های ابوایوب ساخته شده است (یاقوت حموی، ۱۹۶۸: ۲۵۱). این خبر که بدرین حسنویه در آنجا قلعه‌ای با سنگ‌های ویرانه‌های ابوایوب ساخته، ما را به این مسیر رهنمون می‌کند که سرماج مشرف بر ابی ایوب است. از آنجایی که موقعیت سرماج برای ما شناخته شده است؛ لذا این خود دلیل دیگری است که ابی ایوب همان ویرانه‌های تخت شیرین کنونی است.

باتوجه به این که ابی ایوب با ویرانه‌های کنونی تخت شیرین تطابق دارد و از سویی دکان در منطقه‌ی ابی ایوب ساخته شده؛ لذا احتمالاً دکان، همان صفه‌ی سنگی است که در زیر بافت روستای کنونی سرماج قرار دارد. از جمله دلایل دیگر که این شناسایی را تقویت می‌کند اینکه: ۱- به روایت «ابوالفرج قدامه بن جعفر» از قرماسین / کرمانشاه تا دکان هفت فرسخ (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ۳۴) و به روایت «ابن خردادبه» فاصله‌ی قرماسین تا دکان ۹ فرسخ است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۱۸). فاصله‌های مذکور کم‌وبیش برابر بافاصله‌ی کنونی کرمانشاه تا سرماج است. ۲- همان‌گونه که یاقوت حموی اشاره می‌کند، ابی ایوب در سمت راست جاده‌ی کرمانشاه-همدان قرار دارد. با توجه به این که دکان در منطقه‌ی ابی ایوب بوده؛ لذا

مکان این بنا را می‌بایستی در سمت راست جاده‌ی مذکور جستجو کرد و محوطه‌ی سرماج/دکان در سمت راست همین جاده واقع شده است. ۳- طبق نوشته‌های جغرافی‌نویسان اسلامی، دکان بنای سنگی است بر فراز تپه‌ای که با آب محصور شده است. این توصیفات با محل قرارگیری بنای سنگی داخل روستای سرماج همخوانی دارد که توسط رودخانه و خندقی محصور شده است. در حقیقت تا به امروز ما دلیلی برای رد این دیدگاه نداریم که بنای معروف به «ساختمان با سنگ‌های تراش خورده» بقایای همان تخت یا صفه‌ای نباشد که جغرافی‌نویسان اسلامی از آن یاد کرده‌اند. احتمالاً این صفه شالوده‌ای برای برپایی کاخی بوده که نویسندگان اسلامی به آن اشاره کرده‌اند. مصادیق فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد در معماری ایرانی سنت ساخت و ساز صفه‌ها به عنوان شالوده‌ی کاخ‌های سلطنتی دست‌کم از دوره‌ی هخامنشی تا اواخر دوره‌ی ساسانی ادامه یافته است. نمونه‌ی عالی این صفه‌ها از دوره‌ی هخامنشی، صفه‌ی بزرگ تخت جمشید (موسوی، ۱۳۷۹: ۲۴۰-۲۳۵)، از دوره‌ی اشکانی صفه‌ی مسجد سلیمان و بردنشانده (Ghirshman, 1976: 13, 18- 55, 72)، از اواخر دوره‌ی ساسانی بنای کنگاور، عمارت خسرو در قصر شیرین، حرم کسری و تخت تل‌ذهب است (Reuther, 1967: 539).

مورخین و جغرافی‌نویسان ایرانی و عرب اشاره می‌کنند که امیر حسنویه در ابتدای حکومتش (سال ۳۴۸/۳۴۹ ه.ق.) در سرماج دژ مستحکم و استواری با تخته‌سنگ‌های بزرگ ساخت که برای حدود یک سده مرکز حکومت خاندان حسنویه از گردهای بزرگانی بوده است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۵۲۴۱؛ یاقوت حموی، ۱۹۶۸: ۲۵۱؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۸۶۷؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳۸۴). این دسته از نویسندگان از ثروت‌های شگفت‌انگیز و اموال گران‌بهای آن دژ یاد کرده‌اند که بارها انگیزه‌ای برای حمله‌ی آل بویه‌ها و دیلمی‌ها به این مکان شده است (ابن‌الجوزی، بی‌تا: ۲۷۳؛ ابن‌مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۴۹۰-۴۸۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۵۴۶۲-۵۴۶۰؛ دهلوی، ۱۳۸۱: ۵۳). پس از فوت «بدر بن طاهر» (۴۳۹ ه.ق.) آخرین حکمران سلسله‌ی حسنویه در قلعه‌ی سرماج، «ابراهیم ینال» برادر «طغرل بیک» سلجوقی این قلعه را تسخیر و به حکومت حسنویه‌ها پایان بخشید (اذکایی، ۱۳۶۷: ۱۵۴؛ روژیانی، ۱۳۵۳: ۱۰۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۳: ۵۷۸۲-۵۷۷۵؛ ابن‌خلدون، ۱۳۸۳: ۸۷۹-۸۷۷).

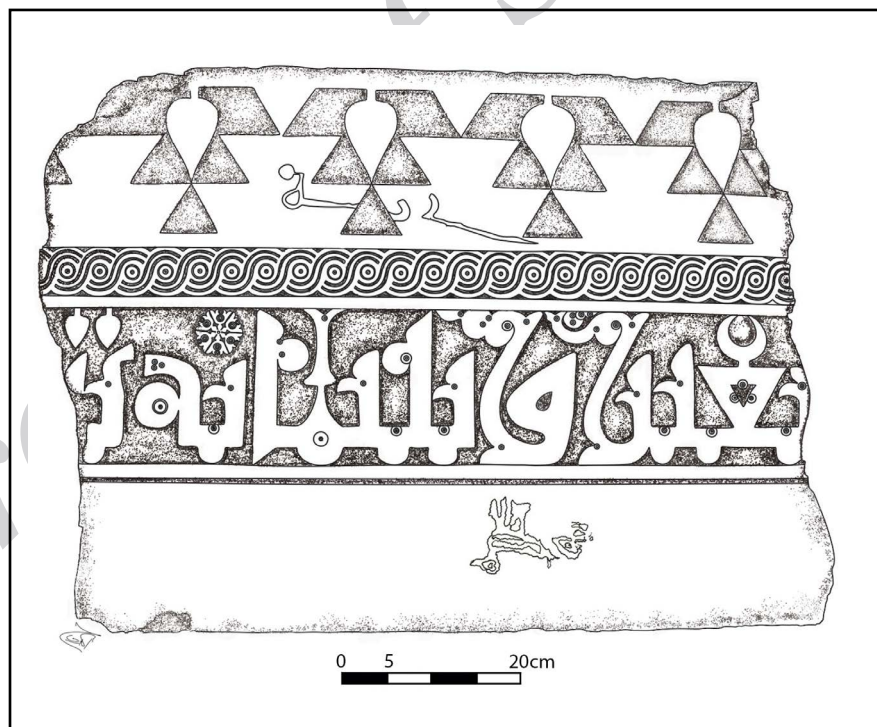
اگرچه در متون تاریخی به کرات از دژ سرماج یاد شده اما همان‌طوری که قبلاً بحث شد از ویژگی‌های معماری این بنا آگاهی چندانی نداریم. در سال ۱۹۷۰ م.، گردگروپ با همکاری سیف‌الدین نجم‌آبادی تعداد سه سنگ‌نوشته به خط کوفی شجری در این محوطه شناسایی کرده‌اند. پیش از بررسی آن‌ها، دو سنگ‌نوشته‌ی دیگر از این محل شناسایی و به موزه ایران باستان منتقل شده که به شماره‌ی ۳۲۸۰ به ثبت رسیده‌اند (Gropp & Nadjmabadi, 1970: 175-177, Abb. 2, Tafel 80.1; Blair, 1992: 67). در سال ۱۳۷۵ ه.ش. علی سجادی سنگ‌نوشته‌ی دیگری را شناسایی و متن آن را «سعید و سمانه» قرائت کرده است. او در زیرنویس تصویر سنگ‌نوشته‌ی فوق‌الذکر، تاریخ سده‌ی هفتم و هشتم هجری را برای آن پیشنهاد داده است

(سجادی، ۱۳۷۵: ردیف ۴۳). نگارنده‌ی حاضر نیز طی بازدیدهای مکرری که در سال‌های اخیر از محوطه‌ی سرماج داشته شش سنگ‌نوشته‌ی دیگر را شناسایی کرده که پیش‌تر هیچ‌کدام از پژوهشگران به آن اشاره نکرده‌اند. حضور این سنگ‌نوشته‌ها در این محوطه تردیدی برجای نمی‌گذارد که این مکان مقر حسنویه‌ها بوده است. بررسی این سنگ‌نوشته‌ها موضوع مقاله‌ی جداگانه‌ای است و در این نوشتار تنها به سنگ‌نوشته‌ی شناسایی‌شده توسط علی سجادی می‌پردازیم. این قطعه شامل بلوک تراشیده‌ای از جنس سنگ‌های آهکی به طول ۹۲، عرض ۶۵ و ضخامت ۲۸ سانتی‌متر است که از چند بخش تشکیل شده است (تصویر ۵، طرح ۱) بخش فوقانی به عرض ۲۳ سانتی‌متر است که سطح آن با چهار عدد کنگره در یک ردیف تزئین شده است. این کنگره‌ها از نوع کنگره‌های سه‌پله‌ای با زاویه‌ی حاده می‌باشند^۱. هر یک از این کنگره‌ها به بلندی ۲۰ سانتی‌متر می‌باشند. در حفاصل هر یک از این کنگره‌ها یک عدد میوه‌ی کاج برجسته و طرح‌های هندسی به شکل مثلث و دوزنقه وجود دارد. در زیر کنگره‌ها، قابی به عرض ۶ سانتی‌متر قرار دارد که داخل آن با نوارهای درهم‌گره‌خورده‌ی موج‌تزیین شده است. این نقش از متداول‌ترین طرح‌های گره‌ای و ترکیب‌های بهم‌بافته شده‌ای است که عموماً برای قاب‌بندی‌ها و هم‌چنین به‌عنوان نوارهای تزیینی کلاسیک به‌ویژه در معماری روم و ایران ساسانی (برای مثال: بنای تاق‌گرا) به‌کار رفته است (آدام، ۱۳۷۵: ۲۸۲). در زیر نوارهای درهم‌گره‌خورده‌ی موج، قابی به عرض ۱۸ سانتی‌متر وجود دارد که در داخل آن کتیبه‌ای به خط کوفی مورق‌گره‌دار نوشته شده است. بخش پایینی این بلوک فاقد هرگونه کتیبه و تزئینات است که در دوره‌های متأخرتر در سطح آن، تصویر پرنده‌ای به شکل انتزاعی حک شده است.

سجادی سنگ‌نوشته‌ی مورد بحث را به سده‌های هفتم و هشتم هجری نسبت داده است (سجادی، ۱۳۷۵: ردیف ۴۳). گروپ و نجم‌آبادی معتقدند با توجه به این‌که تزئینات روی سنگ‌نوشته‌های مکشوف از محوطه‌ی سرماج شبیه تزئینات بنای سامرا است؛ از این‌رو زمان ساخت این سنگ‌نوشته‌ها می‌بایستی متعلق به دوره‌ای پیش از سلجوقی، یعنی دوره‌ی آل بویه و به بیانی صریح‌تر اواخر سده‌ی دهم میلادی برابر با سده‌ی چهارم ه. ق. باشد (Gropp & Nadjmbadi, 1970: 177). بر مبنای تاریخ نوشتاری به زبان عربی این سنگ‌نوشته می‌توان سال ۳۷۰ یا ۳۹۰ ه. ق. را برای این سنگ‌نوشته و دیگر سنگ‌نوشته‌های مکشوف از این محوطه و احتمالاً برای ساخت‌وسازهای دوره‌ی حسنویه محوطه‌ی سرماج پیشنهاد کرد. از تاریخ این سنگ‌نوشته فقط قسمتی از دهگان و کل صدگان آن باقی‌مانده و معلوم نیست که یکان داشته یا خیر. مگر این‌که بقیه‌ی کتیبه نیز پیدا شود. عدد دهگان را هم می‌توان «سبعین» و هم «تسعین» قرائت کرد. قبل از حرف «ع» دهگان، یک دندان باقی‌مانده که می‌تواند «ب» سبعین باشد؛ یا دندانه‌ی آخر حرف «س» کلمه تسعین باشد. اگر در نوشته‌های مربوط به این بلوک حرف «س» یا «ش» پیدا شود می‌توان نظر داد که این کلمه‌ی سبعین و یا تسعین است. هم‌چنین اگر این ماده تاریخ، یکان نداشته باشد؛ تاریخ روی این سنگ ۳۷۰ یا ۳۹۰ ه. ق. است.



► تصویر ۵. سنگ‌نوشته با خط کوفی شجری مکشوف از محوطه‌ی تاریخی سرماج (نگارنده، ۱۳۸۵).



► طرح ۱. سنگ‌نوشته با خط کوفی شجری مکشوف از محوطه‌ی تاریخی سرماج (طرح از: ح. اکبری، ۱۳۹۷).

اگرچه از محل قرارگیری این سنگ‌نوشته و سنگ‌نوشته‌های دیگر در بنا آگاهی کافی نداریم اما با توجه به این‌که سطح آن‌ها با کلماتی از آیات قرآن مزین شده می‌توان چنین پنداشت که آن‌ها متعلق به یک بنای مذهبی (احتمالاً مسجد) و یا آرامگاهی بوده که در زمان بدر بن حسنویه (۴۰۵-۳۶۹ ه.ق.) سومین حکمران سلسله‌ی حسنویه در محوطه‌ی سرماج ساخته شده است. اگر فرض آرامگاه بودن بنا را بپذیریم، منطقی به نظر می‌رسد که فکر کنیم سنگ‌نوشته‌های مورد بحث

متعلق به آرامگاه امیر حسنویه بوده که در سال ۳۶۹ ه.ق. در سماج فوت کرده (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۸۶۸) و در سال ۳۷۰ ه.ق. آرامگاه او توسط پسرش ساخته و یا تکمیل شده است.

سپاسگزاری

از جناب آقای عبدالله قوچانی به خاطر خوانش سنگ‌نوشته‌ی کوفی مکشوف از سماج بسیار سپاسگزارم. هم‌چنین از آقای محمد احمدی برای ترسیم نقشه‌های معماری بنا و آقای سید رسول بروجنی به خاطر بازخوانی متن مقاله کمال تشکر و قدردانی را دارم.

پی‌نوشت

۱. روستای سماج یکی از روستاهای دهستان شیراز توابع بخش بیستون، شهرستان هرسین است. این روستا در طول جغرافیای 47°31' شرقی و عرض جغرافیایی 34°21' شمالی قرار دارد که ارتفاع آن از سطح دریاهای آزاد در حدود ۱۳۷۳ متر است.
۲. در پیرامون بنای تاریخی سماج، تعدادی محوطه‌ی تاریخی از دوره‌ی نوسنگی تا دوره‌ی قاجار وجود دارد که اطلاعات ارزشمندی در خصوص روند شکل‌گیری سکونت در این منطقه را در اختیار ما قرار می‌دهند. این محوطه‌ها عبارتند از اشکفت تنگ‌چناران، تپه قبرستان، محوطه‌ی دارسرینجک، آسیاب آبی و قبرستان‌های شمال شرقی و غربی محوطه.
۳. این کتیبه اکنون در حیاط خانه‌ی مخروبه آقای اسماعیل باقری نگه‌داری می‌شود.
۴. در نوشته‌های کلیس ابعاد این بنا ۴۰۰×۴۰۰ متر و ارتفاع آن ۸ متر گزارش شده است (Kleiss, 1998: 255-257).
۵. برای مثال، بخش‌هایی از دیوارهای صدف در داخل اصطبل یکی از خانه و هم‌چنین حیاط مسکونی پرویز باقری قابل مشاهده است.
۶. اهالی روستا از این بلوک‌های سنگی به‌عنوان مصالح ساختمانی در ساخت دیوارها، پلکان‌ها و سکوهای نشیمن کنار حوضچه‌های داخل حیاط‌ها استفاده کرده‌اند.
۷. اهالی روستا اظهار می‌کنند که در دامنه‌ی این کوه تعداد زیادی از این سنگ‌های تراش‌خورده وجود داشته که متأسفانه در سال‌های اخیر به بهانه‌ی استخراج سنگ معدن توسط کاران بخش خصوصی از بین رفته‌اند.
۸. احتمالاً منظور ابودلف از پیل مذکور، پیل خسرو بر روی رودخانه‌ی گاماسیاب است. این پیل سنگی شامل ۹ پایه و ۱۰ دهانه می‌باشد که متعلق به اواخر دوره‌ی ساسانی است؛ (جهت اطلاع بیشتر در مورد ویژگی‌های معماری این پیل ر. ک. به: Kleiss, 1996: 102-108).
۹. محوطه‌ی تاریخی تخت شیرین در ۱۱ کیلومتری جنوب شرقی بیستون و ۱/۵ کیلومتری سه‌راهی سماج به پل شاهی قرار دارد. این محوطه به طول ۲ و عرض ۱ کیلومتر است که شامل تعدادی تپه تاریخی، قبرستان و تخته‌سنگ تراشیده‌ی بزرگی است. در سطح محوطه بقایای بناهای سنگی تاریخی به‌وضوح قابل رویت است. وجه تسمیه این محوطه برگرفته از تخت‌سنگ تراشیده‌ی صیقلی است که در داخل قبرستان قرار دارد. این بلوک سنگی به درازای ۳/۱۰ و پهنای ۲/۹۵ متر است که ضخامت آن بین ۴۳ تا ۴۷ سانتی‌متر است.
۱۰. نمونه‌ی این کنگره‌ها با زاویه‌ی حاده در تصویر بنای حک شده بر روی یکی از بشقاب‌های نقره‌ای موزه ارمیتاژ و موزه دولتی برلین و بنای سنگی تاق‌گرا دیده می‌شود. نمونه دیگری از این کنگره‌ها از لایه‌های اواخر دوره‌ی ساسانی و اوایل اسلامی شهر بیشاپور پیدا شده است.

کتابنامه

- آدم، رابرت، ۱۳۷۵، *معماری کلاسیک، راهنمای جامع سبک کلاسیک*، به‌کوشش: حسین سلطان‌زاده، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن علی بن محمد شیبانی جزری، ۱۳۸۳، *تاریخ الکامل*، ترجمه‌ی حمید رضا آژیر، ۱۲ جلد، تهران: انتشارات اساطیر، جلد ۱۲.
- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد، بی تا، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، به‌اهتمام: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، جلد ۱۴.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله، ۱۳۷۱، *المسالك و الممالک*، ترجمه‌ی حسین قره‌چانلو، تهران: بی‌نا.

- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن بن محمد، ۱۳۸۳، *العبر: تاریخ ابن خلدون*، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، ۶ جلد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد ۳.
- ابن رسته، احمد بن عمر بن رسته، ۱۳۶۵، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه‌ی حسین قرهچانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، ۱۳۴۹، *مختصر البلدان*، ترجمه‌ی ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن مسکویه رازی، ابوعلی، ۱۳۷۶، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، ترجمه‌ی علینقی منزوی، ۶ جلد، تهران: انتشارات توس، جلد ۶.
- ابودلف، مسعربن المهلهل، ۱۳۴۲، *سفرنامه ابودلف در ایران*، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه‌ی سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات زوار.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۳۶۸، *مسالك و ممالك*، به اهتمام: ایرج افشار، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اذکایی، پرویز، ۱۳۶۷، *فرمانروایان گمنام*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- چهری، محمد اقبال؛ و چهری، رامین، ۱۳۹۶، «بنای سنگی سرماج، قلعه‌ایی از دوره‌ی حسنویه بر روی سازه‌ای ساسانی»، *مجله‌ی پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره‌ی ۱۳، صص: ۱۸۸-۱۷۳.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی، ۱۳۳۳، *حبیب السیرفی/ اخبار افراد بشر*، به کوشش محمد دبیرستانی، تهران: انتشارات خیام، جلد ۲.
- دهلوی، نظام‌علی، ۱۳۸۱، «اوضاع سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی حکومت بنی حسنویه»، *فرهنگ کرمانشاه*، شماره‌ی چهارم و پنجم، صص: ۵۵-۴۷.
- روژیانی، محمد جمیل، ۱۳۵۳، «امارت و فرمانروایی بنی عیار در غرب ایران از سال ۳۸۰ هجری تا سال ۵۱۰ هجری»، در: *مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی*، به کوشش: محمد حسین اسکندری، تهران: انتشارات دانشگاه پهلوی، صص: ۹۱-۱۲۷.
- سجادی، علی، ۱۳۷۵، «بررسی و شناسایی آثار شهرستان هرسین و تشکیل شناسنامه آثار»، کرمانشاه: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی، گردشگری (منتشر نشده).
- قدامه بن جعفر، ابوالفرج، ۱۳۷۰، *کتاب الخراج*، ترجمه‌ی حسین قرهچانلو، تهران: انتشارات البرز.
- گلزاری، مسعود؛ و جلیلی، محمد حسین، بی تا. *کرمانشاهان باستان از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری*، بی جا، بی تا.
- مترجم، عباس؛ و محمدی فر، یعقوب، ۱۳۸۱، «طرح بررسی، شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان هرسین»، کرمانشاه: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی، گردشگری (منتشر نشده).
- موسوی، علی، ۱۳۷۹، «شهر پارسه: نکاتی درباره توپوگرافی و دستگاه دفاعی تخت جمشید»، در: *دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران*، ارگ بم، کرمان، ایران

۲۹-۲۵ فروردین ماه ۱۳۷۸، ۵ جلد، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، جلد سوم، صص: ۲۴۰-۲۳۵.

- یاقوت الحموی بغدادی، یاقوت بن عبدالله، ۱۹۶۸، *معجم البلدان*، العاشرالمجلد، بیروت: دار صادر، دار بیروت، الجلد ۲ و ۳.

- Azarnoush, M., 1981, "Excavations at Kangavar", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 14: 69-94.

- Blair, S. S., 1992, *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, Leiden, E.J. Brill.

- Ghirshman, R., 1976, *Terrasses sacrees de Bard-e Neshandeh et Masjid-I Solaiman*, 2 vols, Paris.

- Gropp, G. & Nadjmabadi S., 1970, "Bericht über eine Reise in West- und Südiran", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 3: 173-231.

- Hüsing, G., 1908, *Der Zagros und seine Völker: Eine archäologisch ethnographische Skizze*, Leipzig, Hinrichs.

- Kleiss, W., 1996, "Die sasanidische Brücke und das Paradeisos", in: Wolfram Kleiss und Peter Calmeyer eds., *Bisutun. Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*, Berlin, Gebr. Mann Verlag: 99-113.

- Kleiss, W., 1998, "Terrassenanlagen in der Iranischen Architektur", *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 30: 227-268.

- Lushey, H., 1969., "Problems of Bistun", in: *The Memorial Volume of the Vth International Congress of Iranian Art and Archaeology*, Tehran, Isfahan, Shiraz, 11th, 18th April 1969, Tehran, Ministry of Culture and Art: 295-299.

- Lushey, H., 1996a, "Bisotun II. Archeology", in: Ehsan Yarshater ed., *Encyclopedia of Iranica*, Vol. IV, Fasc. 3, London, Roulledge and Kegan Paul: 291-299.

- Lushey, H., 1996b, "Orte in der Nachbarschaft von Bisutun", in: Wolfram Kleiss und Peter Calmeyer eds., *Bisutun. Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*, Berlin, Gebr. Mann Verlag: 261-264.

- Lushey, H., 1996c, "Die Felsarbeitung des Farhad (Tarrash-e Farhad)", in Wolfram Kleiss und Peter Calmeyer eds., *Bisutun. Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967*, Berlin, Gebr. Mann Verlag: 117-120.

- Mann, O., 1903, "Archäologisches aus Persien", *Globus*, 83: 327-331.

- Rawlinson, M., 1839, "Notes on a March from Zoháb, at the Foot of Zagros, along the Mountains to Khúzistán (Susiana), and from Thence Through the Province of Luristan to Kirmánsháh, in the Year 1836", *Journal of the Royal Geographical Society of London*, 9: 26-116.

- Reuther, O., 1967, "Sāsānian Architecture: A. History", in: Arthur Upham Pope ed., *A Survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Present: Prehistoric Times to the end of the Sasanian Empire*, 6 vols, London, Oxford University Press, vol. II: 493-578.

- Schmidt, E. F., 1940, *Flights over Ancient Cities of Iran*, Chicago, The University of Chicago Press.

- Trümpelmann, H. L., 1968, "Die Terrasse des Hosrow", *Archäologischer Anzeiger*, 83: 11- 17.